

دکتر محمدعلی خیراللهی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بابل

بررسی فقهی و تاریخی حرمت صدقه بر سادات

چکیده:

از جمله مسائلی که در فقه به عنوان امری پذیرفته شده محسوب می‌گردد، حرمت صدقه بر آل هاشم است. شریف مرتضی حرمت صدقه بر آل هاشم را به عنوان یکی از متفردات امامیه در مسلک فقهی خویش معرفی کرده است و هرگاه برای حضرت محمد(ص) طعامی آورده می‌شد، ایشان سؤال می‌کردند اگر به آن حضرت گفته می‌شد که آن صدقه است، میل نمی‌کردند ولی اگر به هدیه بودن آن غذا اشاره می‌شد می‌پذیرفتند. پیامبر اسلام(ص)، حضرت علی(ع) را برای گردآوری خمس و تصدق امر قضاوت به یمن اعزام داشته بود. صدقه‌ی مفروضه بر بنی هاشم از فرزندان اُبی طالب عقیلین و فرزندان جعفره و علویین و فرزندان عباس بن عبد المطلب و فرزندان اُبی لهب و فرزندان حارث بن عبد المطلب حرام است از موارد استثنای حرمت این که بعضی از سادات به بعضی دیگر صدقه دهند که هیچ‌گونه حرمتی در بر ندارد و نیز در صورتی که صدقه از نوع صدقه تطوعی و غیر واجب باشد، نیز حرام معرفی نشده است.

واژگان کلیدی:

صدقه، سادات، سیره، حرمت، استثنائات.

مقدمه:

یکی از مسائلی که می‌تواند از دیدگاه فقه و تاریخ مورد بررسی قرار گیرد، مسأله‌ی حرمت صدقه بر سادات است. دیدگاه غالب در مکتب فقهی شیعه حرمت صدقه بر رسول مکرم اسلام و خاندان و نوادگان آن حضرت است در طول تاریخ این گونه بوده است که سادات هیچ گاه از صدقات و زکوات استفاده نکردند و همان گونه که بیان خواهد شد، آن دون شأن سادات تعبیر شده است. این پژوهش با توجه به منابع و مآخذ فقهی به جنبه‌ی فقهی و تاریخی حرمت صدقه بر سادات پرداخته است.

۱- ماهیت صدقه

صدقه عبارت است از آن چه که در راه خدا داده شود نه به منظور اکرام بلکه به هدف دستیابی به ثواب پروردگار که چنین بخشایشی راستی و خلوص نیت بخشاینده را حکایت می‌کند. از این رو آن را صدقه خوانند که از ماده صدق به معنی راستی است و در تعابیر رایج بیشتر به زکات اطلاق می‌شده است (الجوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۰۹۸).

صدقه از عقود شرعیه است که به ایجاب و قبول لفظی یا عملی نیاز دارد و پس از دادن نتوان آن را پس گرفت و از شرایط آن قصد قربت می باشد. صدقه‌ی واجب را نتوان به هاشمی داد مگر این که دهنده خود هاشمی باشد. به کافر ذمی می‌توان صدقه دادنه کافر حربی. صدقه‌ی پنهانی بهتر است از صدقه‌ی آشکار مگر این که متهم به ندادن صدقه باشد. (الطوسی، المبسوط، ۲/۲۹۴)

صدقه به معنی وسیع آن شامل هر نوع کمک مادی و معنوی به مستحق و محتاج است. چنان که در فصل روایت‌ها ملاحظه می‌کنید و به معنی اصلی آن که دهش مالی به منظور نیل به ثواب باشد، بدو قسم واجب و مستحب منقسم می‌گردد. صدقه‌ی واجب گاه اصالتاً واجب است مانند زکات مال و زکات فطره، و یا بالعرض واجب است مانند نذر

و کفاره و یا آن جا که پیغمبر یا امام و یا هر مقام ولایت صالحه که در مورد خاصی بدان امر کند.^۱

آیه‌هایی در مورد صدقه

ای پیامبر بخشی از اموالشان را به عنوان صدقه بستان تا از این راه نفوس آنان را پاک و پاکیزه سازی و آنها را بدعای خیر یاد کن که دعای تو موجب آرامش آنها شود و خداوند شنوایی آگاه است.^۲

مگر ندانسته‌اند که خداوند خود توبه بندگان را قبول می‌کند و صدقات را خود، از آنها دریافت می‌دارد و خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.^۳

اگر آشکارا صدقه دهید کاری نیکو است ولی اگر به پنهانی آن را به مستمندان برسانید نیکوتر است و خداوند به پاداش آن گناهان شما را مستور دارد و خدا بدان چه می‌کنید آگاه است.^۴

ای اهل ایمان، صدقات خویش را به منت نهادن و آزار رسانیدن به گیرنده آن تباه مسازید مانند آن کس که مال خود را به منظور خودنمایی انفاق می‌کند...^۵

آنان که از فرط بخل و بدنفسی و نفاق بر کسانی از مومنان عیب می‌کنند که به دلخواه خود در راه خدا صدقه می‌دهند، و نیز بر کسانی که از اندک مقدور خویش تصدق می‌کنند...^۶

۲- ثبوت حرمت صدقه بر سادات

یکی از مسائلی که در فقه به عنوان امری پذیرفته شده محسوب می‌گردد و به اصطلاح از مسلمات فقه محسوب می‌شود حرمت صدقه بر آل هاشم است. شیخ مفید در

۱- چنان که در مورد آیهی نجوی: «إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدْتُمُو بَيْنَ يَدَيْ تَجَاوَكُمُ صَدَقَةٌ» (مجادله / ۱۲)

۲- خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكيتهم بها و صلّ عليهم انّ صلوتك سكن لهم و الله سمیع علیم. (توبه/

۱۰۳)

۳- الم يعلموا انّ الله هو يقبل التوبة عن عباده و ياخذ الصدقات... (توبه/ ۱۰۴)

۴- ان بتدوا الصدقات فنعما هي و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير لكم... (بقره/ ۲۷۱)

۵- يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمنّ والاذى... (بقره/ ۲۶۴)

۶- الذين يلمزون المطّوعين من المومنين في الصدقات... (توبه/ ۷۹)

این خصوص عنوان می‌کند: زکات واجب بر بنی هاشم حرام است.^۱ (الشیخ المفید، المقنعة، ص ۲۴۳)

شریف مرتضی حرمت صدقه را بر آل هاشم به عنوان یکی از متفردات امامیه در مسلک فقهی خویش معرفی نموده و عنوان کرده است: آن چه که به عنوان متفردات امامیه محسوب می‌شود، حرمت صدقه بر بنی هاشم است.^۲ (الشریف المرتضی، الانتصار، ص ۲۲۲) شیخ انصاری نیز ضمن پذیرش حرمت صدقه بر سادات پریشی را مطرح می‌کند به این که آیا صدقه مندوبه بر سادات حرام می‌باشد؟ در این باره دونظریه وجود دارد آن چه که از کتاب معتبر نقل شده، نسبت حرام نبودن صدقه مستحب بر سادات است. (انصاری، کتاب الزکات، ص ۳۵۳)

با توجه به مطالب بالا و فتاوای مشهور فقهاء تنها زکات که صدقه واجب باشد بر سادات حرام بوده و صدقه‌ی مستحب از حرمت برخوردار نیست که بدان اشاره خواهیم داشت.

۳- سیره‌ی نبوی در مصرف نکردن صدقه

در بررسی حرمت صدقه بر سادات نگرشی بر سیره‌ی رسول مکرم اسلام (ص) ضروری است. در صحیح مسلم آمده است هرگاه برای حضرت محمد (ص) طعامی آورده می‌شد، ایشان سؤال می‌کردند اگر به آن حضرت گفته می‌شد که آن صدقه است، از غذا میل نمی‌کردند ولی اگر به هدیه بودن آن غذا اشاره می‌شد می‌پذیرفتند. (مسلم، صحیح المسلم، ج ۳، ص ۱۲۱)

و نیز در سنن ابی داوود آمده است که روزی رسول اسلام از مسیری عبور می‌کردند که در آن خرما نهاده بودند، حضرت فرمودند: اگر این خرما صدقه نبود ما از آن تناول می‌کردیم. (مسند ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۲)

هم چنین در سنن دارمی وارد شده است که امام حسن (ع) در دوران کودکی به همراه رسول اسلام (ص) می‌رفتند که در راه خرمای صدقه نهاده بودند، امام حسن دانه‌ای از آن را در دهان نهادند که حضرت به اصطلاح کودکانه دو بار واژه‌ی کخ را به

۱- و تحرم الزکاة الواجبة علی بنی هاشم جمیعا.

۲- ومما انفردت به الإمامیة القول بأن الصدقة تحرم علی بنی هاشم

کار برده و فرمودند : آن را دور بیانداز آیا نمی‌دانی که صدقه بر ما حرام است؟ و در روایتی آمده است. صدقه بر ما حلال نیست.^۱ (دارمی، ج ۱، ص ۳۸۳)

هیثمی در مجمع الزوائد خویش از سیره‌ی نبوی در این باره سخن می‌گوید به این که ربیعہ بن حارث بن عبدالمطلب و عباس بن عبدالمطلب با یکدیگر سخن می‌گفتند در حالی که نیاز به کمک مالی داشتند با خود گفتند اگر ما دو غلام خویش را به نزد رسول مکرم اسلام فرستاده تا از آن حضرت در خواست کمک مالی کنند؛ آنان به نزد آن حضرت رفته و ابراز نداشتند که غلامان فرزندان عبدالمطلب هستند. رسول مکرم اسلام از محل مصرف صدقات به این دو غلام کمک کرده و آنان کمک آن حضرت را به صاحبان خود رساندند. در آن حالت حضرت علی(ع) از نزد آنان عبور می‌کرد که آنها جریان خود را برای حضرت بیان کردند. امام علی(ع) به آنها گفت این عمل شایسته‌ی شما نیست. آنان پس از این سخن به هنگام نماز ظهر به نزد رسول خدا(ص) رفتند که پیامبر اسلام بعد از نماز گوش آنها را با دست خود گرفت و فرمود آن پول‌ها را برگردانید. آنها به همراه رسول اسلام به خانه‌ی یکی از همسرانش به نام زینب بنت جحش رفته و عنوان کردند ما این مبالغ را به خاطر امر ازدواج نیاز داشته و بنابراین به این عمل دست زدیم. آنها واقعه را چنین بیان کردند: ما همان گونه که با پیامبر سخن می‌گفتیم زینب همسر رسول خدا(ص) از ورای حجاب به ما اشاره می‌کرد که با پیامبر سخن نگویند که ایشان اراده‌ی سخن ندارند. سپس رسول اسلام لب به سخن گشودند که صدقه برای شما سزاوار نیست چرا که آن از اوساخ دست مردم است. سپس فرمودند که به نزد محمیه که مسؤول نگهداری خمس بود بروید واز او مبلغی دریافت دارید. (الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۳، ص ۹۱)

همان گونه که از این عبارات مشخص است رسول مکرم اسلام از مصرف صدقات برای خاندان هاشم خود داری می‌کرده و برای آنان خمس را به عنوان مصرف حلال در نظر می‌گرفتند.

۱- انا لا تحلّ لنا الصدقه.

۴- سیره‌ی ائمه‌ی معصومین در مصرف نکردن صدقه

امامان معصوم نیز به تبعیت از نبی مکرم اسلام از مصرف صدقات خودداری می‌کردند با این حال در یکی از توهّمات تاریخی آمده است که رسول خدا(ص) حضرت علی(ع) را برای تصدی بر صدقات به یمن اعزام کرده و اما این قیّم عنوان نمود که پیامبر اسلام(ص) حضرت علی را برای گردآوری خمس و تصدی امر قضاوت به یمن اعزام داشته بود. (ابن قیّم، زادالمعاد، ج ۱، ص ۴۷)

و شاید سبب این اشتباه تاریخی مواردی بود که رسول مکرم اسلام افرادی را برای این امر اعزام می‌داشت ترمذی در صحیح خود به موردی اشاره می‌کند که رسول اسلام شخصی به نام ارقم را برای گردآوری صدقه از بنی مخزوم بدان منطقه اعزام کرده بود. (ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۵۹)

و در سیره‌ی امام صادق(ع) آمده است که شخصی به امام عرض کرد: حال که شما از خمس منع شده‌اید آیا صدقه بر شما حلال می‌گردد؟ که امام در پاسخ فرمودند: به خدا قسم نه اگر مشاهده می‌گردد که غاصبان حق ما را غصب می‌کنند بدین وسیله حرام خدا حلال نمی‌گردد. (نعمانی، دعایم الاسلام، ص ۲۴۶)

فقیه بزرگ اهل سنت، جصاص در بیان سیره‌ی حضرت فاطمه(س) عنوان می‌کند: یکی از خادمان حضرت فاطمه(س) از ایشان در خواست می‌کند تا از سهم خمس چیزی به او پرداخت کند که حضرت با بیان کردن این نکته که خمس از مختصات آل رسول بوده و او باید از صدقات استفاده کند این ایده را مطرح کردند که خمس برای آل نبی بوده و صدقات برای فقراء غیر آل هاشم می‌باشد و نیز آن حضرت برای فرزندان کشته‌شدگان بدر که از آل هاشم بودند، سهمی از خمس در نظر گرفت و برای غیر آنان از مصرف صدقات هزینه می‌کرد. (جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۸۴)

۵- فلسفه‌ی حرمت صدقه بر سادات

آن چه که از مفاهیم عرفی و متون اسلامی استفاده می‌شود این است که صدقه اگر چه از نظر معنوی در سطحی عالی قرار دارد اما از لحاظ ارزشی برای افرادی است که به نوعی در موقعیتی پایین قرار داشته و بنابراین عموماً فقرا به دریافت صدقه اقدام میکنند

و به دیده‌ی ترحم بدان‌ها نگریسته می‌شود و از آن جا که علویین و نوادگان رسول به عنوان نژادی محترم محسوب می‌گردند هرگونه نگرش تحقیر آمیز قطعاً موجب رضایت حق تعالی نمی‌باشد و بنابراین در سخن مشهوری از رسول مکرم اسلام آمده است. صدقه برای آل رسول حلال نیست چرا که آن از اموال نامناسب مردم است.^۱ (الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۳، ص ۹۱)

در صحاح اللغه اوساخ جمع و سخی آمده و آن عبارت از کثیفی است که بر لباس می‌نشیند، پس اگر بخواهیم روایت را بر این اساس تعریف کنیم؛ چنین می‌شود اوساخ عبارت از کثیفی است که به عنوان کفاره اعمال مردم و یا امری مشابه آن بوده و بنابراین دریافت آن بر آل رسول پسندیده نیست. (الجوهری، صحاح اللغه، ماده‌ی وسخ)

۶- افراد مشمول حکم حرمت

یکی از پرسش‌هایی که در این بحث مطرح می‌گردد دایره‌ی انسانی این حکم است که حرمت صدقه شامل چه افرادی می‌باشد؟ شیخ مفید به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد. زکات واجب بر بنی هاشم حرام است و آنان از فرزندان حضرت علی (ع) و جعفر و عقیل و عباس می‌باشند.^۲ (الشیخ المفید، المقتنعة، ص ۲۴۳)

شیخ طوسی نیز به شمارش افراد مشمول حکم حرمت پرداخته و عنوان کرده است: صدقه‌ی مفروضه بر بنی هاشم از فرزندان اَبی طالب عقیلیین و فرزندان جعفره و علویین و فرزندان عباس بن عبد المطلب و فرزندان اَبی لهب و فرزندان حارث بن عبد المطلب حرام است و هاشم اعقاب دیگری غیر از این افراد ندارد. و صدقه بر فرزندان مطلب و نوفل و عبد شمس بن عبد مناف حرام نمی‌باشد. (شیخ طوسی، کتاب الخلاف، ج ۳، ص ۵۴۰)

اما شافعی صدقه را بر تمام این افراد حرام می‌داند که آنها عبارت از تمام فرزندان عبد مناف هستند. (همو، همان، ص ۵۴۱)

۱- ان الصدقه لا تنبغی لآل محمد و انما هی اوساخ الناس.

۲- و تحرم الزکاة الواجبة علی بنی هاشم جمیعا من ولد امیر المؤمنین علی بن اَبی طالب علیه السلام، و جعفر، و عقیل، و العباس رضی الله عنهم.

علامه در این خصوص عنوان کرده است: فرزندان هاشم که صدقه بر آنان حرام است هم اکنون این چهار گروه می‌باشند: فرزندان طالب، عباس، حارث و ابولهب و بر غیر این افراد از مطلبیین صدقه حرام نمی‌باشد. (علامه حلی، نهیة الاحکام، ج ۲، ص ۳۹۸)

یکی از فقهای اهل سنت به نام ابن عابدین در پاسخ به سؤالی در خصوص حرمت صدقه بر اولاد زینب فرزند فاطمه‌ی الزهرا(ع) عنوان نمود: این که آنان از اشراف می‌باشند، شکی وجود ندارد زیرا هر آن که از اهل بیت نبی باشد، شریف النسب محسوب می‌گردد حال می‌خواهد علوی باشد یا جعفری و یا عباسی، اما برای اولاد حضرت فاطمه شرافت دیگری نیز مطرح است که آن اهل بیت بودن است که خود، حرمت صدقه را در بر دارد چرا که پژوهش‌گران ذکر کردند ویژگی‌های پیامبر اسلام فرزندان دختری آن حضرت را نیز در بر می‌گیرد بنا بر این فرزندان چهار گانه حضرت فاطمه، حسن، حسین، ام کلثوم و زینب منسوب به پیامبر اسلام بوده و سید محسوب می‌شوند چرا که اصولاً آنچه که معیار در نسب محسوب می‌گردد پدر است اما در مورد آل پیامبر از این اصل به خاطر ویژگی که وجود دارد خارج می‌شویم که البته خروج از این اصل مخصوص ذریه‌ی حسن حسین می‌باشد. (ابن عابدین، حاشیه رد المختار، ج ۱، ص ۲۶۸)

درباره‌ی شمولیت این حکم مناسب است به یکی از مناظراتی که میان امام رضا(ع) و علمای اهل سنت اتفاق افتاد اشاره کنیم: در این مناظره که سخن بر سر تفسیر اهل بیت و آل نبی (ص) بود علماء اهل سنت به حدیثی از حضرت رسول اسلام اشاره کردند که بر اساس آن حضرت فرمودند: امت من آل و خاندان من^۱ محسوب می‌شوند و نیز از اصحاب آن حضرت نقل شده است که امت پیامبر اسلام آل او محسوب می‌گردد.

البته بیان این دانشمندان در جهت نفی امتیازات اهل بیت بوده که در قرآن و سنت نبوی ذکر شده است. امام رضا(ع) در پاسخ به این شبهه نکته‌ای بیان کردند که در ضمن پاسخ به آن شبهه به بحث ما نیز مربوط می‌شود به این ترتیب که از دانشمندان اهل سنت سؤال کردند: آیا صدقه بر آل رسول حرام است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه. سپس امام فرمودند: آیا صدقه بر امت نیز حرام است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه. سپس امام فرمودند: بنا بر این میان امت و آل تفاوت وجود دارد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۲۱)

۱- امتی آلی.

همان گونه که ملاحظه می‌گردد امام (ع) از این تفاوت دو نکته را بیان داشتند این که حدیث مشهوری که از رسول الله صادر شده است دارای تفسیر دیگری بوده و نیز این که حرمت صدقه از مختصات آل نبی است. محقق بحرانی در تفسیر این سخن امام (ع) عنوان کردند: ما از این بیان استفاده می‌کنیم هر آن کس که منسوب به حضرت محمد باشد، داخل در آل نبی می‌باشد چرا که در تفسیر آل وارد شده است که آنان ذریه‌ی نبی هستند. بر این اساس هر آن کس که در واژه‌ی آل نبی داخل می‌شود صدقه بر آن حرام می‌باشد. (بحرانی، حدایق الناظره، ج ۱۲، ص ۴۰۳)

علامه نیز در مختلف از شیخ طوسی نقل می‌کند که در غیر اولاد هاشم از فرزندان مطلب و غیر آنها صدقه حرام نمی‌باشد اما شیخ مفید در رساله‌ی غریه برای خاندان مطلب دریافت خمس را جایز دانسته است و این نشان دهنده‌ی حرمت صدقه بر آنان می‌باشد. این گروه از عالمان برای این سخن به احادیثی استناد کرده‌اند از جمله این که از معصومین نقل شده است: ما و فرزندان مطلب در جاهلیت و اسلام جدا نشده‌ایم. و نیز از امام صادق (ع) نقل شده است. اگر عدالت رعایت می‌شد از خاندان هاشم و مطلب هیچ کدام به صدقه احتیاج پیدا نمی‌کردند زیرا که خداوند در کتاب خود آن چه که آنان را در راحتی قرار دهد را بیان داشته است. که امام با این بیان به حلیت خمس بر آنان و حرمت صدقه اشاره کرده زیرا یکی عوض دیگری است و آن گاه که یکی حرام گردد دیگری مطرح شده و از سویی دیگر بین عوض و معوض جمع نمی‌گردد. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۲۱۲)

اما جصاص از فقیهان اهل سنت خاندان مطلب را از آل نبی ندانسته و بنابراین صدقه را بر آنان حرام می‌داند. (جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۸۴)

و در یکی از مباحثات فقهی در منابع اهل سنت آمده است: یزید بن حیان گوید من و حصین بن عقبه به سوی زید بن ارقم رفته و با او از این گفتگو کردیم که آیا همسران پیامبر از اهل بیت آن حضرت نیستند؟ او گفت نه اما اهل بیت پیامبر کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام می‌باشد که آنها عبارتند از آل عباس و آل علی و آل جعفر و آل عقیل. (الکوفی، المصنف، ج ۳، ص ۱۰۴)

۷- موارد استثنای حرمت

آن چه که به عنوان اصل کلی مورد توجه قرار می‌گیرد و از موارد فوق دریافت می‌گردد، حرمت صدقه بر سادات است. اما در این خصوص مواردی به عنوان استثنا مطرح می‌گردد که بدان می‌پردازیم.

شیخ مفید در تعابیر فقهی خویش که از حرمت صدقه بر آل هاشم سخن گفته است نکته ای را به صورت شرط حرمت ذکر کرده به این تعبیر حرمت صدقه بر سادات در صورتی است که متمکن از دریافت خمس باشند اما اگر از خمس منع گردند زکات بر آنان حلال می‌گردد. (الشیخ المفید، المقنعه، ص ۲۴۳)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد شرطی که شیخ مفید بدان اشاره می‌کند تمکن از دریافت حقشان که همان خمس می‌باشد است پس آن گاه که آنان نتوانند به حق خود دست یابند طبیعی است که می‌توانند از صدقه استفاده نمایند.

شریف مرتضی نیز این دیدگاه را به عنوان استثناء قبول داشته و عنوان می‌نماید. دلیل ما بر صحت این اعتقاد اجماع است که روایت‌های بسیاری این دیدگاه را مورد تأیید قرار می‌دهد که خدای متعال صدقه را بنی هاشم حرام کرده و به جای آن خمس را برای آنان در نظر گرفته است و آن گاه که خمسی که عوض بوده است در دسترس آنان قرار نمی‌گیرد، پس می‌توان گفت صدقه بر آنان حلال می‌گردد. (الشریف المرتضی، الإبتصار، ص ۲۲۲)

شیخ طوسی نیز در موارد استثنای حرمت اشاره کرده و دو مورد را بیان کرده است اول این که بعضی از سادات به بعضی دیگر صدقه دهند که هیچ گونه حرمتی در بر ندارد و نیز در صورتی که صدقه از نوع صدقه‌ی تطوعی و غیر واجب باشد، نیز حرام معرفی نشده است. (شیخ طوسی، کتاب الخلاف، ج ۳، ص ۵۴۰)

برای تأیید سخن شیخ طوسی می‌توان به دو روایت در این باره اشاره کرد به این ترتیب که در حدیثی آمده است. امام باقر(ع) از آب‌های صدقه‌ای بین مکه و مدینه می‌نوشیدند که فرزندشان سؤال کردند شما از آب صدقه می‌نوشید؟ امام در پاسخ فرمودند تنها صدقه‌ی واجب بر ما حرام است. (حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۸)

و نیز در حدیثی دیگر چنین وارد شده است. زید شحام از امام صادق (ع) سؤال کرد که چه صدقه‌ای بر آنها حرام شده است که امام در پاسخ فرمودند آن صدقه‌ی واجب است که بر ما حرام شده است. (همو، همان، ج ۶، ص ۱۹۰)

مقصود از تطوع همان تبرع و عمل از روی پذیرش قلبی است که از ریشه‌ی طوع به معنی رضایت و اکراه نداشتن است. علامه‌ی حلی در بیان یکی از موارد استثنای حرمت به ذکر حرام نبودن صدقه بر نوادگان دختری سادات پرداخته است. ما در این نظریه^۱ از عرف تبعیت می‌کنیم که فرزندان را به پدران ملحق کرده و بر این اساس فرزندان دختری نیز به پدران خود ملحق می‌شوند. (علامه حلی، نهیة الاحکام، ج ۲، ص ۳۹۸)

و نیز از موارد استثنای حرمت کلامی از امام صادق است که از پدر بزرگوار خویش نقل می‌کنند: صدقه بر بنی هاشم حرام است مگر در مواردی که از جمله آن تشنگی است که اگر از آل هاشم کسی در تشنگی ماند و نیاز شدید به آب داشته باشد و آبی جز از طریق صدقه یافت نشود، می‌تواند از آن آب استفاده کند. نیز در صورتی که از آل هاشم یکی بر دیگری بخواهد صدقه دهد منعی وجود ندارد. (شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۳۲)

نتیجه

حرمت صدقه بر سادات از مسلمات فقه محسوب شده و دیدگاه فقهاء در کتاب‌های فقهی بر همین اصل استوار است که اجماع فقها تأکیدی بر این نکته می‌باشد و نیز سیره‌ی بیان شده از زندگی رسول اسلام و ائمه‌ی معصومین جای شکی در این قضیه نگذاشته است. بر اساس نظر مشهور صدقه‌ی مفروضه بر بنی هاشم از فرزندان اُبی طالب عقیلین و فرزندان جعافره و علویین و فرزندان عباس بن عبدالمطلب و فرزندان اُبی لهب و فرزندان حارث بن عبدالمطلب حرام است و هاشم اعقاب دیگری غیر از این افراد ندارد. و صدقه بر فرزندان مطلب و نوفل و عبد شمس بن عبد مناف حرام نمی‌باشد و این اصل در خصوص صدقه واجب مانند زکات و نذر صادق بوده و در هر صورت دارای استثنایی است مانند این که بعضی از سادات می‌توانند به بعضی دیگر صدقه دهند که

۱- تبعاً للعرف فی قول الشاعر: بنونا بنو اُبنائنا و بنائنا- بنوهن اُبناء الرجال الأُباعد.

هیچ گونه حرمتی در بر ندارد و نیز در صورتی که صدقه از نوع صدقه تطوعی و غیر واجب باشد، نیز حرام معرفی نشده است.

فهرست منابع و مأخذ:

- * قرآن کریم.
۱. ابن عابدین، ۱۴۱۵، حاشیه رد المختار، دارالفکر، بیروت، لبنان.
 ۲. ابن قیم، شمس الدین، ۱۳۹۰، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، طبع الحلبي، مصر.
 ۳. ابی داود الطیالسی، سلیمان، بی تا، مسند ابی داود، بیروت، دارالحدیث.
 ۴. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۵، کتاب الزکات، نشر باقری قم.
 ۵. بحرانی، شیخ یوسف، ۱۳۶۳، حدایق الناظره، جامعه المدرسین، قم.
 ۶. ترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، ۱۴۰۳، سنن ترمذی، دارالفکر - بیروت.
 ۷. حر عاملی، محمد حسین، ۱۴۱۴، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت قم.
 ۸. جصاص، احمد بن علی، ۱۴۱۵، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت.
 ۹. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت.
 ۱۰. علامه حلی، جمال الدین، ۱۴۱۰، نهایة الاحکام، مؤسسه اسماعیلیان قم.
 ۱۱. -----، -----، ۱۴۱۲، مختلف الشیعه، قم نشر جامعه المدرسین.
 ۱۲. دارمی، عبدالله، بی تا، سنن الدارمی، مطبعه الاعتدال دمشق.
 ۱۳. الشریف المرتضی، علم الهدی، ۱۴۱۵، الإنتصار، جامعه المدرسین، قم.
 ۱۴. الشیخ المفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۰، المقنعه، جامعه المدرسین، قم.
 ۱۵. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، کتاب الخلاف، دار المعارف قم.
 ۱۶. -----، -----، المبسوط، مکتبه المرتضویه، تهران.
 ۱۷. صدوق، محمد بن علی، بی تا، الخصال، جامعه المدرسین، قم.
 ۱۸. الکوفی، ابن ابی شیبہ، بی تا، المصنّف، چاپ سنگی.
 ۱۹. نعمانی، ابوحنیفه، ۱۳۸۳ دعایم الاسلام، بیروت طبع دارالمعارف، بیروت.
 ۲۰. مسلم، ابن الحجاج، بی تا، صحیح المسلم، بیروت، دارالفکر.
 ۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۹۸۳م، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
 ۲۲. الهیثمی، نورالدین الهیثمی، ۱۴۰۸، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الکتب العلمیه، بیروت - لبنان.